



بررسی ساختار درونی پارلمان انگلیس در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

پدیدآورده (ها) : کاظمی، سجاد

علوم اجتماعی :: پژوهش های علوم انسانی :: آذر 1392، سال پنجم- شماره 27

از 67 تا 86

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1025173>

دانلود شده توسط : محمد مهاجری

تاریخ دانلود : 25/02/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان
سال پنجم، شماره‌ی بیست و هفتم، آذر ۱۳۹۲، صص ۶۷-۸۶

بررسی ساختار درونی پارلمان انگلیس در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

سجاد کاظمی*

چکیده

پیدایش پارلمان در تاریخ سیاسی انگلستان که در قرن ۱۳ رخ داد یک واقع بسیار مهمی بود که در ایجاد توازن سیاسی نقش غیر قابل انکاری را در ساختار سیاسی این کشور ایفا نمود. در این مقاله با رویکردی ریشه شناسانه سعی می شود به منظور دست یافتن به یک تبیین تاریخی، چگونگی پدیدار گشتن پارلمان و نهادهای آن و نیز ارکان پارلمان و کارکردهای آن مورد مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پارلمان، نظام پارلمانی، مجلس لردها، مجلس عوام، مجلس بزرگان (ویتانگموت)

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

مقدمه

از دیدگاه مورخین امروزی شناخت اشکال مختلف حکومتی و تفکیک آنها بر اساس مدل ها و ساخت های سیاسی بعنوان برآیند الگوهای تاریخی و فرهنگ سیاسی تأثیرگذار در تحقق نوع سیستم حکومتی همواره از اهمیت بسزائی برخوردار است. در این رابطه انگلستان با ساختار نظام پارلمانی از معدود کشورهایی است که شالوده حکومتی آن بر رعایت سنت های حقوقی بنا شده که رفته رفته جنبه های سیاسی را نیز در بر گرفته و نظام حکومتی آن بعنوان یک الگو مورد توجه قرار گرفته است در این سیستم حکومتی آنچه برجسته می نماید، پدیده پارلمان (Parliament) است که طی یک فرآیند طولانی تکوین و تکامل یافت. پیش از ظهور پارلمان در انگلستان، ما شاهد هیچگونه نظریه پردازی در خصوص تحقق این نوع نظام حکومتی نیستیم، از این رو نظام پارلمانی انگلستان خود، بعدها مبنای نظریه پردازی قرار گرفت. به همین دلیل برخی مورخین معتقدند پارلمان پدیده بومی خاص کشور انگلستان است. فرآیند شکل گیری آن متأثر از سنت های تکامل یافته خصوصاً مجلس خردمندان (witanagmot) عصر آنگلو ساکسون (نیمه نخست قرون وسطی) بوده و سیر تکاملی آن عملاً از دل مبارزات میان نیروهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب نظام فئودالیت به ویژه در عصر حاکمیت نورمن ها (۱۰۶۶م) پدیدار گشته است. در این زمان نهاد پارلمان اگرچه مراحل ابتدایی خود را طی می نمود، با این وجود شکل گیری آن بعنوان یک بنیاد سیاسی و قانونگذاری مستقل از دستگاه سلطنت، حاکی از وجود عوامل مقدماتی برای نهادینه شدن آن در جامعه انگلستان بوده است.

بنابراین ظهور پارلمان در کنار سلطنت و گسترش حیطه اختیارات و وظایف و تعمیم حداقلی آن از سیستم فئودالی تا سطح عامه و نیز تغییر ساختار فئودالی به ساختار پارلمانی؛ بدون تردید نظم و تشکیلات نوینی را در دستگاه حکومتی انگلستان ایجاد می نمود، در خصوص اهمیت شکل گیری ساختار پارلمان و تشکیلات آن بایستی به تداوم و توسعه آن در نتیجه پیوستگی حقوقی طبقات (ارتباط اشراف با بورژواها) اشاره نمود که با توجه به

موقعیت زمانی گام مهمی در تکامل پارلمان و نظام پارلمانی و توسعه سیاسی انگلستان محسوب می شود، به عبارتی پارلمان با عناصر طبقاتی (اشراف فئودالی و بورژواها) نقش عمده را در برقراری تعادل سیاسی و اجتماعی با تکیه بر اصلاحات تدریجی ایفا می نمود. اینکه پارلمان چگونه رواج یافت و به اصطلاح نهاده شده و نیز چه کسانی به پارلمان دعوت می شدند، پارلمان از چه نهادهایی تشکیل می شد و عضویت در پارلمان چگونه بوده، اعضا و پادشاه در ساختار جدید از چه جایگاهی برخوردار بودند، ارکان اصلی پارلمان چه بود و چه مسائلی به بحث گذاشته می شد و اینکه تشریفات و مقررات مربوط به تشکیل یک پارلمان به چه شکل بوده است و سوالاتی از این قبیل، مواردی هستند که پژوهش حاضر سعی دارد به تبیین تاریخی (چیستی و چگونگی) آن بپردازد.

تبارشناسی تاریخی اصطلاح پارلمان

برخی از مورخین مجلس بزرگان آنگلو ساکسون ها (Witanagmot) در نیمه نخست قرون وسطی را «نخستین پارلمان» انگلستان ذکر کرده اند؛ چنانکه تسویل لانگمید مجمع مذکور را نیا و الگوی تاریخی پارلمان امروزی انگلستان می داند. (Taswell. langmed, 1879: 25) اعضای آن صرفاً از مالکین، زمینداران، اشراف و بزرگان تشکیل می شد. در این مجمع یا شورای سلطنتی نقش اشراف آنگلو ساکسون بسیار حائز اهمیت است، آنان مطابق گفته های تاسیتوس (Tacitus) مورخ قرن دوم میلادی عادت داشتند مسائل شان را از طریق هیات های کمیسیونی حل و فصل کنند و چنین عاداتی مختص همه قبایل ژرمن بود. (Stephenson, 1965: 2-3) از جمله مسائل مهم انتخاب یک فرمانده نظامی بود که در ابتدا به آن هر توگ (Heretog) می گفتند. پس از ترقی وی به مقام پادشاهی وی را لقب برت والدا (Bertwalda) می گفتند: یعنی پادشاهی که بر دیگران برتری می یافت (York, 1990: 157) در این رابطه هر توگ یا فرمانده نظامی (پادشاه بعدی) از سوی مجمع انتخاب می شد و در صورت تمرد، اشراف فئودالی وی را عزل می کردند. سنتی بنام سلطنت موروثی مبنی بر حق فرزند ارشد (Primogeniture) وجود نداشت و حتی در صورت لزوم مجمع اشرافی پادشاه را خارج از خانواده سلطنتی انتخاب می کرد.

(Gardiner, 1890:33) انتخاب کنوت (Cnut) به پادشاهی در ۱۰۱۷م و ارل هارولد (Earl of Harold) در ۱۰۶۶م مصداق موارد مذکور است (Taswell-Langmead, 1879: 27) اما برخی دیگر از مورخین این مجمع را خاستگاه پارلمان انگلستان نمی دانند با این استدلال که در آن زمان ویتانگموت به نمایندگی از جانب ملت نبود. (Trevelyan, 1979:116) بدون تردید سنت ها و الگوهای تاریخی همچون مجمع ویتانگموت در شکل گیری و تکامل پارلمان بی تأثیر نبوده اند، اما این تأثیر تئوریک دال بر رواج واژه پارلمان و نظام پارلمانی در این زمان نیست؛ بلکه ریشه شناسی واژه پارلمان و شالوده نظام پارلمانی به شوراهاى متعددی بر می گردد که در طول سلطنت هنری سوم در دهه های ۴۰ و ۵۰ قرن سیزدهم میلادی شکل گرفت و از همین زمان بود که عنوان پارلمان پدیدار گشت. مهمترین نشست های پارلمانی مربوط به سالهای ۱۲۳۷، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۶، ۱۲۴۸ و نیز پارلمان دهه ۵۰ می باشد.

بنظر فیلیس، پیش از این نیز واژه پارلمان رایج بود، اما صرفاً معنای لغوی آن در ذهن تداعی می نمود، چنانکه بحث و مذاکره از واژه Parle را تحت همین معنا ذکر می کردند، اما ظهور پارلمان بعنوان یک نهاد قانونگذاری، قضایی و اجرایی در ادبیات سیاسی از این زمان یعنی دهه ۳۰ و ۴۰ به بعد رایج گردید، چنانچه پیش از این ویتانگموت هر سه وظایف مذکور را در امر حکومت اعمال می نمود. (Philips, 1973:95) پولارد می گوید: "واژه پارلمان برای نخستین بار در عبارت Parlement ensun plenier در مجمع Gaintington در سال ۱۱۸۹ در اواخر سلطنت هنری دوم اشاره شده است و در سال ۱۲۳۹ توسط ماتيو پاریس (Mathieu Paris) مورخ قرن سیزدهم به کار برده شد و در حدود ۱۲۴۰ در انگلستان بعنوان یک نهاد سیاسی و قانونگذاری جا افتاده بود. (Pollard, 1968:32) از نظر وی در زمان هنری دوم پارلمان به منظور اجرای عدالت کارکرد یک دادگاه قضایی (curia Regis) را نیز داشته است. (Pollard, 1986: 36)

میخل پرستویچ نیز زکرمی کند: "اصطلاح پارلمان نخست در سال ۱۲۳۶ در یک محتوای حقوقی به کار گرفته شده است و آن هنگامی بود که یک مسئله حقوقی از جلسه ای به

جلسه دیگر موكول می شد. آنچه در اینجا جدید می نمود، اجتماع ارکان مختلف دیوان عالی و قضایی، مالی، دادگاه شاهی و دادگاههای عمومی می باشد که می بایست در موقع مقرر در پارلمان حاضر باشند. " (Prestwich, 2005: 98) از آراء پرستیوچ چنین استنباط می شود، پارلمان زمانی شکل گرفت که وظایف و کارکردهای نهادهای مختلف حکومتی در یک زمان در چهارچوب شورا یا همان پارلمان متمرکز گردید. در این ارتباط باروو نیز شالوده پارلمان را اجلاس های مکرر شورای سلطنتی می داند. (Barrow, 1979: 298) از نظری در ابتدا پارلمان یک اصطلاح فنی نبود و صرفاً یک واژه رایج و عمومی بود که در انگلستان از سال ۱۲۴۰ معمول گردید و به نظر می رسد علت رواج این واژه جلسات مکرر و منظم شورای بزرگ باشد که هنری سوم برگزار می نمود. (Barrow, 1979: 298) علت اصلی جلسات مکرر شورا نیازهای مالی و نظامی پادشاه بود که با تشکیل شورا به نظر می رسد سهولت انجام کار مورد نظر بوده است. قابل ذکر است که ارتباط شورای سلطنتی یا شورای بزرگ از اشراف فتودالی با ویتانگموت مبهم است برخی معتقدند پس از غلبه نورمن ها (۱۰۶۶م) مجمع مذکور از میان رفت. برخی نیز همچون استابز تاکید دارند که این مجمع جنبه عمومی بودن خود را حفظ نموده و شورای سلطنتی تداوم ویتانگموت بوده است. (Stubs, 1907: 400, 418) به نظر می رسد نوعی ادغام صورت گرفته است زیرا اشرافیت واحدی در مقابل پادشاهان موضع گرفتند. درباره نمایندگان عوام، سیدنی بیلی می نویسد: "از زمان حضور نمایندگان عوام در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن سیزدهم در شورا در کنار دو عنصر آرسیتو کراسی و مونارشی است که پارلمان شکل می گیرد. " (Bailey, 1971: 11) نقش عوام را می توان در چارچوب گسترش پارلمان و نظام پارلمانی مورد بررسی قرار داد. باگهوت بیان می کند: دموکراسی انگلستان محصول مبارزات طولانی میان دو عنصر آریستوکراسی و مونارشی است که با ظهور نمایندگان عوام اصل توازن و تعادل میان عناصر مذکور برقرار گردید؛ اشراف قدرت پادشاهان و نمایندگان عوام قدرت اشراف را تعدیل نمودند. (Bagehot, 1968: 2)

ترولیان در کتاب تاریخ مختصر انگلستان با نگاهی متفاوت با آنچه بیان شد، شکل گیری

پارلمان را چنین ترسیم می کند:

"پارلمان برآیند و محصول یک فرآیند تاریخی در طول قرون متمادی است. این یک طرح ناگهانی یا برنامه‌ای از پیش تعیین شده نبود و یا اینکه در اثر یک انقلاب (جایی که یک قدرت ظهور می کند و دیگری برافتد) پدید آید؛ بدون تردید حوادث و اشخاص در تکوین و تکامل آن تأثیر بسزائی داشته اند، اما نمی توان یک حادثه و یا یک شخص واحد را بانی آن دانست؛ بلکه مبنای آن سنت، عرف، روحیه مشترک و معرفت عمومی مردم انگلیس است، چرا که آنان به هیئت های کمیسیون و صحبت کردن راجع به مسائل مختلف و یا حوادث پیش آمده برای رسیدن به توافق علاقه خاصی نشان می دادند. در فرآیند سیاسی و سیر تحولات تاریخی بحث و مذاکره بعنوان یک راهکار و برون رفت از جنگ های داخلی میان کانون های قدرت آنروز؛ دستگاه سلطنت، کلیسا، فئودال ها و طبقات عمده مردمی (بورژواها و نایت ها) استفاده می شد. این خصلت ملی ریشه اصلی پارلمان انگلیس محسوب می شود." (Trevelyan, 1942: 162)

بنابراین علی رغم تأثیر سنت های تثبیت شده آنچه مسلم می نماید، این است که در زمان سلطنت هنری دوم (۱۱۸۹-۱۱۵۴) کارکردهای پارلمان در قالب شورا تمرکز گردیده و در زمان هنری سوم (۱۲۷۲-۱۲۱۶) واژه پارلمان در ادبیات سیاسی رواج گشته و نام شورای بزرگ یا شورای سلطنتی به پارلمان تغییر نام داده است و ماهیت شورای بزرگ به شورای خصوصی پادشاه کاهش یافت. در خصوص اینکه در چه سالی و یا کدام شورا بعنوان پارلمان تشکیل جلسه داده، اطلاعات دقیقی در دست نیست، مورخین با اندک تفاوتی سالهای ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۴۰ و ۱۲۴۲ را ذکر کرده اند که از این پس رفته رفته مقاومت فئودالی در قالب پارلمان به مقاومت مشروطه مبدل گشته است و خصوصیات پارلمانی با کارکردهای قضایی، قانونگذاری و اجرایی در حال تکوین بود.

خاستگاه مجلس لردها و مجلس عوام

یکی از مراحل عمده تکامل ساختار پارلمان انگلیس، تقسیم بسیار تدریجی آن به دو مجلس بود: نخست مجلس لردها (House of Lord) و سپس مجلس عوام (House of Commons)

(Common). شالوده پارلمان دو مجلسی از زمان سلطنت هنری سوم (۱۲۱۶-۱۲۷۲) و ادوارد اول (۱۲۷۲-۱۳۰۷) و ادوارد دوم (۱۳۰۷-۱۳۲۷) شکل گرفته و در طول قرن چهاردهم میلادی به تکامل رسیده بود. از دیدگاه مورخین اساس دموکراسی انگلستان حضور نمایندگان عوام در پارلمان بود که توانسته است مصوبه های پارلمانی را در برخی موارد به مصلحت عموم تنظیم کند. هاروی و باثر اصل اقتدار قانونی پارلمان را از تقسیم به دو مجلس می دانند که با تقسیم قدرت میان لردها و عوام، بتدریج اقتدار سلطنتی را کنار زده است. (Harvey and Bather, 1972:9) نقش روحانیون را در شوراهای سلطنتی نمی توان نادیده گرفت، خصوصاً در صدور منشور ماگنا کارتا (Magna-Carta) همگام با فتوادلها بر علیه پادشاه شورش کردند.

حال سؤال اینجاست که چرا پارلمان انگلیس علی رغم وجود عناصر سه گانه (لردها، روحانیون، عوام) و نیز بر خلاف اتاژنرو (Etats-Genereaux) مجلس طبقات سه گانه فرانسه در جهت یک پارلمان دو مجلسی تحول یافت؟ ترولیان پاسخ این مسئله را مربوط به جامعه روحانیت می داند. وی در این رابطه می گوید: "طبقه روحانی به دلخواه خویش از پارلمان خارج شده و همانند لردها و عوام به تأسیس مجلس جداگانه نپرداخته اند. علت آن هم این است که آنان نمی خواستند از این پس در گیر مسائل سیاسی شوند، از این رو خود را از صحنه کشمکش سیاسی میان دو نیروی سکولار (پادشاه، لردها) کنار کشاندند. دلیل عمده دیگر هزینه های سفر برای حضور در پارلمان بود که ترجیح دادند در صومعه های خویش باقی بمانند و در یک مجلس کلیسایی خودشان مالیات خویش را وضع نمایند با این وجود عده ای با تغییر کسوت روحانی در مجلس لردها باقی ماندند. " (Trevelyan, 1942:156) با توجه به موقعیت جغرافیایی انگلستان و نیز عدم تأثیر پذیری از آیین کاتولیک اروپایی و محوریت پاپ این انزوای سیاسی چندان هم بعید به نظر نمی رسید. از این رو جامعه روحانیت با خروج از صحنه سیاست راه را برای تشکیل پارلمان دو مجلسی فراهم نمود. اگرچه هزینه های حضور در پارلمان برای نمایندگان عوام نیز مسئله بود. اما با توجه به رشد شهرنشینی و تجارت و شکل گیری طبقه متوسط؛ آنان بر خلاف موقعیت

روحانیون تشکیل یک مجلس در پارلمان را بر انجمن های محلی و شهری ترجیح دادند.

مجلس لردها

موريس دو ورژه مجالس انگلستان را در ابتدا استبدادی می داند: "به لحاظ تاریخی مجالس استبدادی پیش از مجالس دموکراتیک بوجود آمده اند مجالس انگلستان نیز معمولاً از نوع مجالس استبدادی هستند این مجالس ترجمان اقتدار اشراف در مقابل پادشاه بوده اند، زیرا پادشاه فئودالی ناچار بوده است اشراف و مالکان بزرگ خود را گاه گاه جمع کند و رضایت آنان را برای اجرای بعضی طرح ها از جمله کمک مالی و نظامی جلب نماید." (دو ورژه، ۱۳۲۸:۲۲) این گفته در سطح کشوری مقرون به صحت است، زیرا مجالس انگلستان چه در دوره آنگلو ساکسون و چه پس از آن صرفاً متشکل از ارل ها (Earls) و بارون ها (Barons) و روحانیون درجه اول بوده است. ارل ها آن دسته از اشرافی بودند که بر چندین استان (Shire) حکومت می کردند. (Barrow, 1979: 18-20)

حضور لردها و اعیان در پارلمان فاقد اصل نمایندگی یا انتخاب می باشد، بلکه خصوصیت عمده آن برخورداری آنها از امتیاز اصل موروثی بودن است (Taswell- Langmead, 1879: 189). به لحاظ تاریخی این اصل هم در ویتانگموت و هم در مجلس لردها (پارلمان امروزی) بوضوح مشاهده می شود. هاروی و باثر می گویند: "مجلس لردها بر اساس حقوق فئودالی بوجود آمد." (Harvey and Bather, 1972: 22) که نمونه بارز آن احراز فرمان آزادی های هنری اول (۱۱۰۰ م)، منشور ماگناکار تا (۱۲۱۵) و نیز مقاومت آنان در زمان هنری سوم (دستخط آکسفورد ۱۲۵۸) می باشد. در رابطه با خاستگاه مجلس لردها لاسکی معتقد است: "خاستگاه مجلس لردها به اشرافی بر می گردد که بعنوان رهبران اصلی جامعه، خدمات عمومی بزرگی را برای استرداد حقوقی را که توسط پادشاه نقض شده بود، انجام دادند." (Laski, 1963: 111) فیلیپس نیز خاستگاه مجلس لردها را شورای بزرگ پادشاهان نورمن ذکر کرده که پیش از این نیز در ویتانگموت مشاهده شده است. (Philips, 1973: 120)

بنابراین وجه مشترک اظهارات فوق نشان می دهد که خاستگاه مجلس لردها بطور غیر

مستقیم متأثر از ویتانگموت و پس از آن بطور مستقیم از شورای پادشاهان نورمن شکل گرفته است که مهمترین خصوصیت آن اصل موروثی بودن آن است. این امتیاز به فرزند ارشد منتقل می شد و طبق خصوصیات نظام اشرافی انگلیس یعنی تعمیم پذیری آن (بلوخ، ۱۳۶۳: ۹۵ و Barrow, 1979: 18-20) ممکن بود در پارلمان که پدر عضو مجلس لردها باشد، سایر فرزندان از اعضای نمایندگان مجلس عوام باشند. (Trevelyan, 1942: 156) تعداد اعضای مجلس لردها نیز در مبادی تاریخی آن در حدود هفتاد تا صد تن ذکر شده است (Bailey: (S.D), p. 28). چنانچه در بزرگترین پارلمان ادوارد اول در سال ۱۲۹۵ بیش از صد تن از لردها و اعیان حضور داشته اند. هاروی و باثر می گویند: "در این پارلمان هفت ارل و چهل و یک بارون و دو اسقف اعظم، نوزده اسقف، چهل و هشت راهب بزرگ و چند تن از بزرگان دیرها حضور داشته اند." (Harvey & bathen, 1972: 22)

مجلس عوام

همانطور که هاروی و باثر حقوق فئودالی را منشأ مجلس لردها می دانند معتقدند، نیازهای مالی پادشاهان نیز اساس شکل گیری مجلس عوام بوده است. (Harvey & Bather, 1972: 22) در این رابطه سیدنی بیلی می گوید: "به دلیل کفاف نمودن هزینه های فئودالی و بارونی و نیز دشمنی آنان با سلطنت، پادشاهان سعی می نمودند با دعوت از نمایندگان عوام این خلاء مالی و نظامی را برطرف کنند." (Bailley, 1971: 11)

در اینجا ما با یک پدیده نوظهور سر و کار نداریم، بلکه شکل گیری مجلس عوام را نیز می توان بعنوان یک فرآیند مورد بررسی قرار داد. از این رو می توان خاستگاه مجلس عوام را بطور غیر مستقیم در قدرت های محلی دوره آنگلو ساکسون جستجو کرد. آنطور که منتسکیو نیز انگلستان را مهد خود مختاری های محلی می داند (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۳۰۰) یعنی زمانی که نمایندگان شایر (Shire) معادل استان و هندرد (Hundred) معادل صد خانوار با حضور در مجالس محلی به رتق و فتق امور خویش می پرداختند. در مقابل اصل موروثی بودن اعضای مجلس لردها، نمایندگان عوام بر اساس اصل انتخاب و نمایندگی در پارلمان حاضر می شدند. این خصیصه پارلمانی - اصل نمایندگی - را می توان با نمایندگان انتخابی

اعضای مجامع محلی آنگلساکسون ها مقایسه کرد. مثلاً در این گونه مجامع ریو (رئیس هرتون یا دهکده -Tun-reeve) با چهار آزاد مرد (Freemen؛ مقام بین بارون ها و دهقانان) بعنوان نمایندگان هر دهکده در مجمع هندرد شرکت می کردند و همینطور این قاعده شامل حضور نمایندگان هندرد در مجمع شایر می شده است. -Taswell (langmead, 1879:192, Maitland, 1908:39) پس از غلبه نورمن ها در سال ۱۰۶۶ م اقتدار محلی آنان تحت الشعاع اقتدار حکومت مرکزی قرار گرفت، اما رفته رفته به دلایلی از جمله؛ اختلاف پادشاهان با فئودال ها، نیازهای مالی پادشاه و حمایت حقوقی و سیاسی فئودال ها، وقوع جنگ های صلیبی، تداوم جنگ های فرانسه و انگلستان، آزاد سازی شهرها و رشد شهرنشینی و گسترش تجارت موجب گردید بار دیگر بعنوان یک طبقه اهمیت سیاسی پیدا کنند. از منظر موازنه قوا، قدرت عوام از مبارزات میان پادشاهان و فئودال ها و بارون ها سر برآورد، اختلاف میان این دو کانون قدرت موجب گردید که هر دو جناح برای حمایت مالی، سیاسی و نظامی به آنان متوسل شوند. با وجود این به دلیل پیوستگی حقوقی اشراف با عوام و با توجه به خصوصیات نظام اشرافی انگلیس، آنها جانب اشراف را گرفتند؛ چنانکه مورتون معتقد است ارتباط میان اشراف و عوام موجب افزایش قدرت پارلمان می باشد. (Morton, 1974: 100)

اعضای مجلس عوام صرفاً نمایندگان شوالیه ها و شهرنشینان را در بر می گرفت و به همین دلیل عنوان عوام به طبقات متوسط مذکور اطلاق می شد. علاوه بر این، نمایندگان مذکور منتخب همه افراد استان یا شایر (County) و شهرها نبودند؛ بلکه توسط گروه معدودی انتخاب و به پارلمان اعزام می شدند (young, 1963:40) چنانکه هنری سوم در پارلمان ۱۲۵۴ از شریف های (sheriff؛ حاکمان سلطنتی در استان) هر کانتی خواست تا نمایندگان مورد اعتماد و تابع قانون مملکتی را انتخاب و اعزام کنند. (Bailey, 1971:46)

به بورژواهای هر شهر شهرنشین و به نمایندگان هر بورگ (Borough) بورگس ها (Burgesses) گفته می شد. شوالیه ها یا نایت ها نیز اشراف درجه دومی بودند که نسبت به بورژواها جایگاه بالاتر و نسبت به بارون ها در مرتبه پایین تری قرار داشتند. در اوایل

نمایندگان شوالیه‌ها از هر کانتی به همراه لردها (ارل‌ها، بارون‌ها و روحانیون درجه اول) در قسمت فوقانی مجلس می‌نشستند، اما شوالیه‌ها از یک طرف با رفتار اقتدارگرایانه لردها مواجه شدند و از طرفی پیوستگی حقوقی-اجتماعی با بورژواها، آنان را به همگرایی با بورژواها سوق داد که همین امر شالوده‌تکوین و انسجام مجلس عوام گردید. (Taswell-langmead, 1879: 220)

تعداد نمایندگان عوام که به پارلمان دعوت می‌شدند، معمولاً بین دو تا چهار نماینده بطور مجزا از شوالیه‌ها، بورژواها و بورگس‌ها در تناوب بود؛ چنانکه سیمون دو مونفور (Simon de Montfort؛ ارل معروف مخالف پادشاه هنری سوم) در پارلمان معروف ۱۲۶۵ م که به دستور وی تشکیل شد از هر کانتی و هر شهر دو نماینده دعوت به عمل آورد. در پارلمان نمونه ادوارد اول ۱۲۹۵ م نیز دو شوالیه از هر کانتی، دو شهروند یا بورژوا از هر شهر و دو بورگس از هر بورگ حضور داشتند که تعداد آنها در این پارلمان به سیصد و بیست تن می‌رسید. (Pollard, 1968: 316)

نمایندگان عوام، علی‌رغم تکمیل ترکیب اعضای آن‌ها، هنوز مجلسی تحت عنوان مجلس عوام بوجود نیاوردند. شوالیه‌ها و بورژواها در بازی سیاست به مهره‌های شطرنج می‌ماندند که برای رسیدن به اهداف بالاتر ابزار پادشاهان و لردها می‌شدند، زیرا در این زمان تنها بعنوان مستمع آزاد در پارلمان شرکت می‌کردند و از طرفی نیز هزینه‌هایی را برای حضور در پارلمان به دلیل مسافت طولانی متضرر می‌شدند. نمایندگان عوام صرفاً وصول مالیات‌های مقرر شده را تسهیل می‌نمودند. بنابراین از یک طرف هزینه‌های سفر و از طرف دیگر بی‌اعتنایی لردها به آراء آنان در مصوبات پارلمانی و نیز استفاده سوء از آنان در کسب وجوه مالیاتی توسط پادشاه، موجب گردید که آنان برای رهایی از این وضعیت به فکر یک راهبرد جدید باشند. می‌گوید: "در طول قرن چهاردهم م پس از ادوارد اول (۱۲۷۲-۱۳۰۷) در نتیجه بی‌اعتنایی به شوالیه‌ها، بورژواها و شهروندان، آنان در صدد برآمدن تا با تشکیل جلسات مخفی راجع به حقوق خویش به تعامل و تبادل نظر بپردازند. اگرچه این جلسات غیر قانونی بود، اما مخالفتی نیز بر علیه آنان اعمال نمی‌شد. رفته رفته

این جلسات بطور مستقیم منشاء شکل گیری مجلس عوام گردیده بود. " (مورا، ۱۳۶۶: ۱۴۹) در همین ارتباط سیدنی بیلی نیز می نویسد: "هنگامی که نمایندگان مجلس عوام تصمیم گرفتند جلسات غیر رسمی در سالن دیگری تشکیل دهند لازم بود کسی را از میان خود برگزینند تا نتایج و پیشنهادات حاصل از مذاکرات را به پادشاه و لردها برساند و این موجب گردید سخنگوی مجلس عوام بوجود آید. " (Bailey, 1971: 61) سخنگوی مجلس در ابتدا مسئول ارائه پاسخ و توضیحات در مقابل شاه بود و به نوعی ریاست مجلس عوام را در طول دوره قانون گذاری به عهده داشت ولی امروزه در مقام حکم بی طرف است که سخنان موافق و مخالف را بدون غرض منعکس کند. (نقیب زاد، ۱۳۸۹: ۹۲)

در اواخر قرن چهاردهم در نتیجه جنگ های داخلی لردها (جنگ رزها) و ضعف پادشاهان سیستم ناقص دو مجلسی تغییر یافت. نمایندگان عوام در ابتدا توانستند مجلس غیر قانونی خویش را قانونی جلوه دهند، سپس از طریق سخنگو خواسته و شکایات مردمی خویش را در پارلمان مطرح نمودند؛ بطوریکه رفته رفته این حق را نیز بدست آورند تا هر وزیر یا دیگر صاحب منصب حکومتی را که در اجرای وظایف خویش مرتکب جرم یا قصور می شد در مقابل دیوان قضایی که از مجلس لردها تشکیل می یافت، متهم سازند. (دو ورژه، ۱۳۴۸: ۷۱)

بنابراین، در طول قرن چهاردهم و پس از آن، مجلس عوام به یک جایگاه بزرگ در تشکیلات سیاسی نظام مشروطه پارلمانی دست یافت؛ بطوریکه رضایت نمایندگان عوام برای ایجاد همه مصوبات و مالیات ها لازم و ضروری گردید، حتی مهمترین مصوبات پارلمانی، انتخاب وزراء و عزل و نصب پادشاهان نیز بی تأثیر از آراء آنان نبود.

اصل مسئولیت وزراء

طبق قوانین پارلمانی آکسفورد ۱۲۵۸ که در نتیجه شورش اشراف بر علیه هنری سوم (۱۲۷۲-۱۲۱۶) وضع گردید؛ انتخاب وزراء: وزیر اعظم (Chancellor)، قاضی اعظم (Justiciar) و خزانه دار (Treasurer) به دلایل مالی از پادشاه سلب و به پارلمان واگذار گردید. این قوانین شامل ۲۹ ماده بود که مهمترین آن ایجاد یک شورای پانزده

نفری بود که خط و مش سیاسی دولت را تعیین می کرد و نیز سلب کامل اختیارات سلطنتی بود که مطابق آن از این پس پارلمان وزرا را انتخاب می کرد. (Treharne, 1973: 99-111) این اقدام سنتی را ایجاد نمود که بعدها عملاً از پادشاه سلب مسئولیت گردید و شالود فرضیه سیاسی "پادشاه باید سلطنت کند نه حکومت" را مسلم گردانید. آندره مورا در این رابطه می گوید: "در صورت بروز اختلاف میان پادشاه و پارلمان یا بایستی پارلمان منحل شود و یا پادشاه از سلطنت خلع گردد (چنانکه ادوارد دوم در ۱۳۲۷ و ریچارد دوم در ۱۳۹۹ از سلطنت خلع گردیدند) که در هر دو صورت عواقب وخیمی را به دنبال داشت. از اینرو برای برون رفت از این مشکل راهبرد اصل مسئولیت وزیران مطرح گردید." (مورا، ۱۳۶۶: ۱۵۲) یعنی پارلمان از این پس به جای مقابله با پادشاه یا خلع وی، وزیر را مسئول می دانست که با عزل وی و انتصاب دیگری از اقدام مستقیم پارلمان بر علیه پادشاه یا پادشاه بر علیه پارلمان ممانعت به عمل می آورد. موریس دو ورژه نیز بیش از مسئولیت سیاسی بر مسئولیت قضایی وزیر تأکید می کند که بیشترین تأثیر را مجلس عوام اعمال می نمود. (دو ورژه، ۱۳۴۸: ۷۱) آنطور که مورا شرح می دهد نمایندگان مجلس عوام می توانستند بر علیه وزیر اعلام جرم کرده و در صورت محکومیت از وزارت خلع گردد. (مورا، ۱۳۶۶: ۱۵۲) با ضعف مجلس لردها که در نتیجه جنگ های فئودالی رخ داد؛ قدرت مجلس عوام طی قرون پانزده و شانزده افزایش بیشتری یافت، بتدریج انتخاب وزراء نیز به نمایندگان عوام محول گردید.

ضابطه دعوت، ترکیب و جایگاه اعضا در نشست های پارلمانی

مقرر پارلمانی در وست مینیستر بود حضور نمایندگان عوام در پارلمان، علاوه بر ضرورت تقسیم شان و مراتب اجتماعی، تقسیم جغرافیایی را نیز موجب گردید. لردها در قصر وست مینیستر و نمایندگان عوام خارج از قصر در کلیسای وست مینیستر تشکیل جلسه دادند و این آغاز تقسیم پارلمان بود اگرچه امروز هر دو مجلس در قصر مزبور مستقرند. (نقیب زاده، ۱۳۸۹: ۹۰) در ابتدا پارلمان بطور معمول سه بار در سال برگزار می شد، البته ممکن بود بر حسب ضرورت در شهرهای دیگری مثل لندن و آکسفورد نیز برگزار گردد و یا

اینکه کمتر از سه بار و در صورت لزوم بیشتر از سه بار در سال برگزار شود. پادشاه چهل روز پیش از نخستین روز تشکیل پارلمان با ارسال فرمان هایی از اعضای پارلمان دعوت به عمل می آورد. در احضار نامه ها معمولاً هدف تشکیل پارلمان نیز ذکر می شد. نمایندگان لردها اعم از اول ها، بارون ها، سر اسقف ها، راهبان بزرگ و پیران دیر بر اساس اصل موروثی، اشرافیت و زمینداری در پارلمان شرکت می کردند. (Bagley and Rowley, 1966: 172-173) ناگفته نماند که همه اشراف سراسر مملکت در پارلمان شرکت نمی کردند؛ بلکه تنها عده ای خاص و مقتدر که پیش از این نیز در شورای سلطنتی یا شورای بزرگ عضو بودند؛ بر اساس حق حضور در پارلمان شرکت می کردند. در قرن سیزدهم انتخاب نمایندگان مجلس لردها موکول به مستأجرین درجه اول املاک پادشاه و زمینداران بزرگ بود که بصورت یک هیئت برای انتخاب نمایندگان پارلمانی خود اجتماع می کردند، اما در قرون بعدی مقرر گردید لردها بایستی ساکن حوزه انتخابیه خود باشند. (عفی، ۱۳۳۷: ۸۲)

پادشاه که ریاست پارلمان را به عهده داشت در جایگاه اصلی مستقر می شد. اسقف اعظم کانتر بوری و اسقف های لندن و وینچستر در سمت راست پادشاه و سایر مقامات روحانی در این ردیف در پشت سر آنان می نشستند. اسقف اعظم یورک و اسقف های دورهام و کارلیس در سمت چپ پادشاه و ارل ها و بارون ها نیز در این ردیف در پشت سر آنان قرار می گرفتند. (Bagley and Rowley, 1966: 179)

احضارنامه هایی نیز برای دعوت از نمایندگان عوام (شوالیه ها، شهروندان و بوروگس ها) در سراسر کشور توزیع می گردید. معمولاً از هر کدام بین دو تا چهار نماینده بنا به دستور پادشاه انتخاب و به پارلمان اعزام می نمودند. جایگاه نمایندگان عوام که در ابتدا حضور تشریفاتی داشته اند در قسمت پایین مجلس قرار داشت، اما آنان به دلیل بی اعتنائی به حضورشان و عدم رسیدگی به شکایات مردمی و تصمیمات شان در صدد برآمدند در سالن دیگری جلسات پارلمانی خویش را دنبال کنند. حضور در پارلمان بر اساس حق تقدم بود. جلسات پارلمانی تا شش روز ادامه داشت،

پادشاه و دو منشی عمده پارلمان و سایر منشیان و دبیران، منادیان و دربانان اصلی در روز نخست از تشکیل پارلمان حاضر می شدند و در روز دوم وزیر اعظم، قاضی اعظم و سایر قضات، خزانه دار و بارون های خزانه دار دولت، خدمتکاران نظامی و سایر صاحب منصبان سلطنتی شرکت می کردند. پادشاه بایستی از روز نخست تا ششمین روز در پارلمان حضور داشته باشد و عدم حضور وی توسط وزیر اعظم به نمایندگان ابلاغ می شد. از روز نخست فهرستی از حضور بوروگس ها و بورژواها یا شهروندان سراسر انگلستان تهیه می شد و اگر نمایندگان یک بوروگ یا شهر در آن روز در پارلمان حاضر نمی شدند، بوروگ ۱۰۰ مارک و شهر ۱۰۰ پوند جریمه می شد و در روز دوم نیز اگر شوالیه های هر کانتی در سراسر مملکت نمی توانستند حاضر شوند هر کدام ۱۰۰ پوند جریمه می شدند و در روز سوم نیز اگر ارل ها و بارون های ساحلی نمی توانستند حضور داشته باشند هر کدام به ترتیب بایستی ۱۰۰ پوند و ۱۰۰ مارک به پارلمان می پرداختند. روحانیون درجه دوم نیز که در ابتدا در پارلمان شرکت می کردند در صورت عدم حضور نمایندگان آنها، ۱۰۰ مارک جریمه می شدند و بالاخره در پنجمین روز از تشکیل پارلمان در صورت عدم حضور روحانیون عمده، اسقف اعظم ۱۰۰ پوند و یک اسقف ۱۰۰ مارک جریمه می شد. (Bagley & Rowley, 1966: 175-177)

دربانان پارلمان

دربان اصلی پارلمان در کنار در ورودی پارلمان می ایستاد. این شخص بایستی آنهایی را که وارد پارلمان می شدند بشناسد و از ورود افراد متفرقه ممانعت به عمل آورد. دربانان دیگری نیز زیر نظر او بودند که وی را در تشخیص اعضا کمک می کردند. علاوه بر اینها، مأمورانی نیز در خارج از پارلمان با دربانان همکاری می نمودند. در ورودی پارلمان نیز ضمن تدابیر امنیتی شدید باز گذاشته می شد تا در طول چند روز از جلسات پارلمانی اعضا بتوانند در پارلمان شرکت کنند. پیشکار وظیفه داشت اعضا را در هنگام ورود راهنمایی کند تا در جایگاه اصلی خودشان مستقر شوند (Bagley & Rowley, 1966: 184).

نطق های پارلمانی

در هر روز از تشکیل جلسه پارلمان یک اسقف یا اسقف اعظم که از دانش و فصاحت زبان برخوردار بود، موعظه هایی در خصوص دعوت به عبادت و نیایش خداوند، تلاش برای صلح و آرامش کشور و اجرای عدالت ایراد می نمود. سپس وزیر اعظم مسائل و موضوعات مورد بحث را مطرح می نمود و نیز با نطق پادشاه در خصوص رسیدن به نتیجه مطلوب؛ مسائل پارلمانی به بحث گذاشته می شد. در صورت بروز اختلاف میان اعضا در ارتباط با تصویب یا عدم تصویب یک لایحه، پادشاه اجازه می داد تا سه ارل معروف یعنی ارل پاسبان، ارل مارشال و ارل پیشکار بیست و پنج تن از اعضای طبقات مختلف سراسر قلمرو حکومتی خارج از پارلمان؛ متشکل از دو اسقف و سه تن دیگر از جامعه روحانیت، دو ارل، سه بارون، پنج شوالیه، پنج شهروند و پنج بورگس را انتخاب کنند تا آنان در این خصوص تصمیم بگیرند. در صورت عدم توافق میان بیست و پنج نفر مذکور، می توانستند با موافقت؛ خودشان را به دوازده تن کاهش دهند و دوازده تن به شش تن و شش تن به سه تن و سه تن باقیمانده به دو تن و از این دو با موافقت پادشاه یکی مجبور می گشت به نفع دیگری کنار رود و رأی آخرین فرد مورد تصویب قرار می گرفت. (Bagley & Rowley, 1966: 182-183) به نظر می رسد این وضع معکوس در تصویب و تأیید آرا از حداکثری به حداقلی از یک طرف بیانگر بینش فئودالی در شرایطی است که تفکر بسته، انحصار طلبی، خود کفائی، حذف و خشونت، و آناشری جای خود را به همفکری، تأیید دو جانبه و همزیستی مسالمت آمیز و همگرایی سیاسی (در نتیجه تهدید نیروی سوم ناقض حقوق فئودالی) داده است و از طرفی نیز دال بر توازن قدرت میان دستگاه سلطنت و دستگاه فئودالی است؛ بطوریکه هر دو کانون قدرت، حداکثری (طبقات عمومی خارج از پارلمان اما همجنس اعضای آن) و حداقلی (رأی پادشاه) در وضع تصویب قوانین پارلمانی تأثیر دارند؛ "با موافقت یا اشاره پادشاه یکی مجبور می گشت به نفع دیگری کنار رود و رأی آخرین فرد مورد تصویب قرار می گرفت" یعنی پادشاه هنوز ریاست و جایگاه خود را دارا بوده است و از طرفی به قدرت مستقل جمعی اشاره می کند که پادشاه خارج از آرا جمعی نمی تواند اعمال قدرت کند.

معمولاً تا زمانی که به همه مسائل مورد بحث رسیدگی نمی شد جلسات پارلمانی خاتمه نمی یافت، اما این احتمال نیز وجود داشت که در بعضی موارد به توافق نرسند. در این صورت تشکیل پارلمان به زمان دیگری موکول می شد تا بار دیگر مسائل مورد بازبینی قرار گیرند. مسئله مالیات و نیازهای مالی پادشاه، جنگ و شکایات مردمی مهمترین مباحث پارلمان بود؛ چنانکه در طول سلطنت هنری سوم، ادوارد اول و جان شینان پس از وی تجارب پارلمانی بسیار زیادی را شاهد هستیم که معمولاً برخی از آنها بدون نتیجه خاتمه می یافت و برخی نیز لوایح عمده ای را به تصویب می رساندند که تحول عمده ای در سیستم حکومتی انگلستان ایجاد می نمود؛ چنانکه در پارلمان ۱۲۹۵ در زمان ادوارد اول مقرر گردید هر گونه مالیاتی قبل از وصول بایستی به تصویب پارلمان رسیده باشد. (Morton, 1974:90) مهمترین رکن پارلمان جنبه قانونگذاری و قضایی آن بود که بعدها نیز با توجه به رشد اجتماع و مقتضیات زمان اتحادیه ها، احزاب، آزادی اقتصادی، آزادی قلم، بیان، فکر، مذهب نیز جز ارکان و سیاست های اصلی پارلمانی گردید. (مورا، ۱۳۶۶: ۳۵۴، ۳۶۹، ۴۶۷، ۴۷۹)

نتیجه گیری

رواج واژه پارلمان و شکل گیری آن بعنوان یک نهاد سیاسی از یک طرف ریشه در فرهنگ تاریخی و سیاسی انگلستان دارد که مطابق آن مردم انگلیس آن هم طبق سنن ژرمنی عادت داشتند مسائل قومی، محلی خود را از طریق یک شورای تعامل و تبادل نظر حل کنند و از طرفی نیز برخاسته از حقوق اشرافی در نظام فئودالی است در قرن سیزدهم این واژه در معنای بحث و مذاکره رواج گردید و علت تکامل ساختاری آن نیز همگرایی و پیوستگی حقوق اشراف با طبقات متوسط (شوالیه ها و بورژواها) است ساخت پارلمان را همین دو عنصر مجلس لردها و مجلس عوام تشکیل می دهند که خاستگاه هر دو به ترتیب به حقوق فئودالی و رشد تجارت، شهرنشینی و دانشگاه ها بر می گردد در اولی عضویت بر اساس اصل موروثی است و دومی نماینده حوزه انتخابی خود بودند، مهمترین بحث

پارلمانی مربوط به کمک های مالی و نظامی به پادشاه بود که نمایندگان سعی می کردند با رأی خودشان مالیات وضع کنند در قرون سیزدهم و چهاردهم قدرت و برتری با مجلس لردها بود اما رفته رفته به دلایلی که در متن متذکر شدیم به مجلس عوام منتقل گردید. اصل مسئولیت وزراء نیز به دنبال چالش های میان دستگاه سلطنت، مجلس لردها و مجلس عوام پدید آمد پادشاه با توجه به ضعف و اقتدار فردی و شرایط حاکم بر پارلمان جایگاه خود را حفظ نمود و رسماً ریاست پارلمان را تا سلب کامل مسئولیت از وی بعهده داشت مهمترین رکن پارلمان نیز در این زمان جنبه قانونگذاری و قضایی آن بود که مجلس لردها وضع و اجرا می نمود، اما به مرور سیاست های پارلمانی و مصوبات آن متأثر از مجلس عوام گردید بنابراین؛ تحول قدرت در انگلستان از شکل هرمی و عمودی آن به حالت افقی و تعدیل کننده درآمد، لردها، قدرت فزاینده پادشاه را کنترل نمودند، عوام نیز قدرت لردها را تعدیل نمودند؛ به عبارتی نوعی توازن قدرت نسبی میان نمایندگان طبقات مختلف انگلستان خصوصاً در شکل ساختاری آن حول تصویب لوایح اصلاحی رایج گردید.

منابع و مأخذ

۱. بلوخ، مارک، (۱۳۶۳) *جامعه فئودالی*، ترجمه بهزاد باشی، ج اول، تهران: انتشارات آگاه.
۲. دوورژه، موريس، (۱۳۴۸) *رژیم های سیاسی*، ترجمه ناصر صدر الحفاظی، تهران: کتاب های جیبی.
۳. عفیفی، حافظ، (۱۳۳۷) *انگلیسی ها در انگلستان*، ترجمه احمد فرامرزی تهران: ابن سینا.
۴. منتسکیو، شارل لوئی، (۱۳۴۹) *روح القوانين*، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
۵. مورا، آندره، (۱۳۶۶) *تاریخ انگلستان*، ترجمه عنایت الله شکیبائی پور، چاپ دوم، تهران: انتشارات جمهوری.
۶. نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۹) *سیاست و حکومت در اروپا*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
7. Bagley, J. I and Rowley, P. B, (1966) *A Documentary History of England*, 2nd ed, London: Pelican.
8. Bagehot, Walter, (1968) *The English Constitution*, 15th ed. Oxford University Press.
9. Bailey, S.D, (1971) *British Parliamentary Democracy*, 3th ed, Boston: Houghton.
10. Barrow, G.W.S, (1979) *Feudal Britain*, 7th ed. London: Edward Arnold press.
11. Gardiner, S. R, (1899) *A Students History of England*, Vol I, London: Longmans.
12. Harvey, J and Bather. L, (1972) *The British Constitution*, 3th ed, London: Macmillan.
13. Laski, H.J, (1963) *Parliamentary Government in England*, 8th ed. London: George Allen and unwin Ltd
14. Macaulay, T.B, (1901) *The History of England*, Vol I. Cambridge: Riberside press.
15. Maitland, F.W, (1908) *The Constitutional History of England*, Oxford: Oxford University Press.
16. Morton, A.L, (1974) *A Peoples History of England*, 4th ed, London: Laerence and Wishart Ltd.
17. Philips, O.H, (1973) *Constitutional and Administrative Law*, 5th ed. London: Sweet and Maxwell.
18. Pollard, A.F, (1968) *The Evolution of parliament*, 3th ed. London: Longman.

19. Perstwich, Michael,(2005) *Plantagenet England*,Oxford: Oxford University Press.
20. Stephenson,Carl,(1965) *Mediaeval Feudalism*, 9th ed,New York: Cornell University Press.
21. Stubbs,William,(1907) *Constitutional History of England*, Oxford: Clarendon Press.
22. Taswell- Langmead, E.P,(1879)*English Constitutional History*, 2nd ed. Boston: Houghton.
23. Treharne,R,E,(1973) *Documents of the Baronial Movement of Reform & Rebellion 1258-1267*, Oxford: Oxford University Press.
24. Trevelyan, G.M,(1942)*A Shortend History of England*, 9th ed. London: Penguin.
25. Trevelyan,G.M,(1979)*History of England*, 2nd . London: Longman.
26. Young, Roland, (1963)*The British Parliament*, 2nd ed. Evanston: Evanston University press.

